

متن کامل سخنرانی ملاله یوسف زی در سازمان ملل متحد



بسم الله الرحمن الرحيم.

به نام خداوند بخشنده مهربان

دبیر کل محترم سازمان ملل متحد، آقای بان کی مون.

رئیس محترم مجمع عمومی، آقای ووک جرمیک.

سفیر محترم آموزش جهانی سازمان ملل، آقای گوردن براون.

برادران و خواهران عزیز سلام علیکم.

برای من امروز افتخاری است که بعد از مدت‌ها سخنرانی می‌کنم. اینجا بودن با انسان‌های محترمی همچون شما موقعیت بزرگی در زندگی من است. امروز برای من افتخار است که شال شهید بی نظیر بوتو رو بر سر دارم.

من نمی‌دانم سخنرانی‌ام را از کجا شروع کنم. نمی‌دانم مردم چه انتظاری از سخنرانی من دارند. اول از همه خدا را شاکر هستم که همه ما برابر هستیم. از همه آن‌هایی که برای بهبود سریع من و زندگی جدید من دعا کردند؛ متشکرم. باورم نمی‌شود که تا چه حد مردم به من محبت کردند. من هزاران کارت تبریک و هدیه از سراسر جهان گرفتم. از همه آن‌ها

تشکر می‌کنم. از کودکانی که با کلمات معصومانه خود، مشوق من بودند، تشکر می‌کنم. از بزرگانی که دعاهایشان به من قدرت داد، تشکر می‌کنم.

می‌خواهم از پرستاران، دکترها و تمامی کارمندان بیمارستان‌های پاکستان، انگلیس، و از دولت امارات متحده عربی که به من کمک کردند تا بهبود یابم و سلامتی‌ام را دوباره به دست بیاورم، تشکر می‌کنم.

من از آقای بان کی مون دبیر کل سازمان ملل که مبتکر آموزش جهانی با عنوان «اولین گام، آموزش» است و سفیر ویژه، آقای گوردن براون و رییس محترم مجمع عمومی آقای ووک جریمیک به طور کلی حمایت می‌کنم.

و به خاطر رهبری مداومشان از هر دوی آن‌ها تشکر می‌کنم. آن‌ها دائما الهام بخش فعالیت‌های ما هستند.

برادران و خواهران عزیز، یک چیز را به خاطر داشته باشید. روز ملاله، روز من نیست. امروز روز هر زن، هر پسر و هر دختری که برای حق خود اعتراض کرد، است. صدها فعال حقوق بشر و کنشگر اجتماعی وجود دارند، که در کنار دفاع از حقوق بشر، تلاش می‌کنند تا به اهداف آموزشی، صلح و برابری نیز برسند. هزاران نفر توسط تروریست‌ها کشته شدند و میلیون‌ها نفر زخمی شدند و من تنها یک نفر از آن‌ها هستم.

من اینجا ایستاده‌ام. یک دختر از میان دختران دیگر...

من تنها برای خودم صحبت نمی‌کنم، بلکه از طرف تمامی پسران و دختران صحبت می‌کنم.

من صدای اعتراضم را به گوش همه می‌رسانم، نه اینکه فریاد بزنم، تا صدای آن‌ها که نمی‌توانند صحبت کنند، شنیده شود.

آنهايي که برای حق خود مبارزه کردند. حق زندگی در صلح؛ حق رفتار محترمانه؛ حق فرصت‌های برابر و حق آموزش.

دوستان عزیز؛ روز نهم اکتبر ۲۰۱۲، طالبان به سمت چپ پیشانی من شلیک کرد. به دوستان من نیز شلیک کردند. فکر می‌کردند که گلوله‌هایشان ما را خفه می‌کند. ولی شکست خوردند و بعد از آن سکوت، هزاران فریاد برخاست. تروریست‌ها فکر کردند که اهداف ما را عوض می‌کنند و آرزوهای ما را از بین می‌برند. ولی در زندگی من هیچ چیز عوض نشده، جز این‌ها: ضعف، هراس و ناامیدیم از بین رفت. قدرت و شجاعت نمود یافت. من همان ملاله هستم. آرزوهای من همان‌ها هستند. امیدهای من همان‌ها هستند. رویاهای من همان‌ها هستند.

خواهران و برادران عزیز.

من علیه هیچ کسی نیستم. من اینجا نیامدم تا در مورد انتقام شخصی علیه طالبان یا گروه تروریستی دیگر صحبت کنم. من اینجا آمدم تا برای حق آموزش هر کودک صحبت کنم. من خواستار آموزش برای پسرها و دخترهای همه افراتی‌ها، مخصوصا طالبان نیز هستم. من حتی از آن عضو طالبان که به من شلیک کرد متنفر نیستم. حتی اگر اسلحه به دست داشته باشم و او جلو من ایستاده باشد، من به او شلیک نمی‌کنم. این رحمتی است که من از محمد پیامبر رحمت، حضرت عیسی و بودا یاد گرفته‌ام. این میراث پیشرفت است که من از مارتین لوتر کینگ، نلسون ماندلا و محمد علی جناب به ارث برده‌ام. فلسفه مبارزه غیر خشونت آمیز است که من از گاندی، باچا خان و مادر ترزا آموخته‌ام؛ و این بخشندگی است که من از مادر و پدرم یاد گرفته‌ام. روح من این را به من می‌گوید: صلح دوست باشم و همه را دوست داشته باشم.

خواهران و برادران عزیز.

ما اهمیت روشنایی در مقابل تاریکی را می‌دانیم. ما اهمیت صدای خودمان را وقتی سکوت می‌کنیم، می‌دانیم. همینطور زمانی که ما در سوات در شمال پاکستان بودیم و وقتی اسلحه‌ها را می‌دیدیم، اهمیت قلم و کتاب را فهمیدیم. این اصطلاح که: «قلم از شمشیر برنده تر است»، درست است. افراتی‌ها از کتاب و قلم می‌ترسند. قدرت آموزش، آن‌ها را می‌ترساند. از

زن می‌ترسند. قدرت صدای زنان، آن‌ها را می‌ترساند؛ و به همین علت اخیراً چهارده دانشجوی پزشکی بی‌گناه را در حمله ای در شهر کوئته کشتند؛ و به همین علت چندین مدرس زن و کسانی را که برای درمان فلج اطفال تلاش می‌کردند، در «خابیر پختون خوا و فاتا» به قتل رسانند.

به همین علت هر روز در مدرسه‌ها بمب گذاری می‌کنند. آن‌ها از تغییر می‌ترسیدند و می‌ترسند. از برابری که ما به جامعه خود خواهیم آورد، می‌ترسند.

من به خاطر می‌آورم که خبرنگاری از پسری در مدرسه ما پرسید: «چرا طالبان علیه آموزش است؟»؛ او جواب خیلی ساده ای داد، به کتاب خود اشاره کرد و گفت: «کسی که عضو طالبان است، نمی‌داند محتوای این کتاب چیست». آن‌ها فکر می‌کنند که خدا موجود کوچک و ریز و محافظه کاری است که دختران را به علت مدرسه رفتن به جهنم می‌برد. تروریست‌ها از نام اسلام و جامعه پشتو، سو استفاده می‌کنند، برای منافع شخصی خودشان. پاکستان کشور صلح دوست و دموکراتیکی است. پشتوها می‌خواهند که دختران و پسرانشان آموزش ببینند و درس بخوانند و اسلام، دین صلح، انسانیت و برادری است. اسلام می‌گوید که: آموزش نه تنها حق هر کودکی است، بلکه مسئولیت و وظیفه هر کودک نیز می‌باشد.

دبیر کل محترم، برای آموزش نیاز به صلح است. در خیلی نقاط جهان مخصوصاً پاکستان و افغانستان، تروریسم و جنگ، کودکان را از مدرسه رفتن باز می‌دارد. ما از این جنگ‌ها خیلی خسته شده‌ایم. زنان و کودکان در خیلی از نقاط دنیا به انواع مختلف رنج می‌برند. در هندوستان کودکان فقیر و بی‌گناهی قربانی کار اجباری شدند. در نیجر

نیجریه چندین مدرسه خراب شدند. مردم افغانستان در طول دهه های اخیر گرفتار رفتارهای افراطی زیادی شدند. دختران جوان باید کارهای اجباری محلی بکنند و مجبور هستند در سن پایین ازدواج کنند. فقر، ناآگاهی، بی عدالتی، نژادپرستی و محرومیت از حقوق اولیه، مشکلات اصلی زنان و مردان است.

دوستان عزیز

من امروز بر حقوق زنان و آموزش دختران تمرکز می‌کنم برای اینکه آن‌ها بیشتر از همه رنج می‌برند. زمانی بود که فعالین اجتماعی زن از مردان درخواست می‌کردند که از حق آن‌ها دفاع کنند. اما این دفعه ما خودمان این کار را انجام می‌دهیم. من نمی‌گویم که مردها از حقوق زنان طرفداری نکنند بلکه زنان باید در دفاع از حقوق خودشان مستقل باشند.

خواهران و برادران عزیز. الان زمان آن است که صدایمان را برسانیم.

امروز ما از رهبران جهانی درخواست می‌کنیم که سیاست‌های خود را در خصوص صلح و شکوفائی تغییر دهند.

ما از رهبران جهانی درخواست می‌کنیم که مذاکرات صلح ای را که امضا می‌کنند در راستای حمایت از حقوق زنان و کودکان باشد. عهدنامه ای که علیه کرامت زنان و حقوق آن‌ها باشد، قابل قبول نیست.

ما از همه حکومت‌ها درخواست می‌کنیم که آموزش رایگان و اجباری برای هر کودک در سراسر جهان را میسر کنند.

ما از همه حکومت‌ها درخواست می‌کنیم که علیه خشونت و تروریسم مقاومت کنند و کودکان را از آسیب و خشونت وحشیانه حفاظت کنند.

ما از همه کشورهای توسعه یافته درخواست می‌کنیم که از گسترش فرصت‌های آموزشی برای دختران کشورهای در حال توسعه حمایت کنند.

ما از همه جوامع درخواست میکنیم که تساهل داشته باشند. از پیش داوری بر اساس قبیله، مذهب، فرقه و جنسیت پرهیز کنند. آزادی و برابری برای زنان را میسر کنند تا آن‌ها بتواند رشد کنند. ما نمی‌توانیم موفق شویم زمانی که نیمی از ما به عقب رانده شده‌اند.

ما از خواهران مان در سراسر جهان درخواست میکنیم که شجاع باشند و به قدرت درونی خود و ظرفیت خود آگاه باشند.

برادران و خواهران عزیز

ما برای آینده روشن هر کودک، مدرسه و آموزش می‌خواهیم. ما راه خودمان را به مقصد صلح و آموزش برای هر فرد ادامه می‌دهیم. هیچ‌کسی نمی‌تواند جلوی ما را بگیرد یا ما را متوقف کند. ما برای حق خودمان اعتراض می‌کنیم. ما از طریق صدای خودمان تغییر ایجاد میکنیم. ما باید به قدرت کلمات خودمان اعتقاد داشته باشیم. کلمات ما می‌توانند دنیا را عوض کنند. چرا که ما همه با هم هستیم و برای آموزش متحد هستیم. و اگر می‌خواهیم به هدفمان برسیم، باید خود را با اسلحه دانش تقویت کنیم و با اتحاد از خودمان محافظت کنیم.

برادران و خواهران عزیز

ما نباید فراموش کنیم که میلیون‌ها نفر به علت فقر، بی‌عدالتی و ناآگاهی رنج می‌برند.

ما نباید فراموش کنیم که میلیون‌ها کودک مدرسه نمی‌روند. ما نباید فراموش کنیم که خواهران و برادران ما منتظر آینده روشن و پر از صلح هستند.

بیابید به طور جهانی علیه بی‌سوادی، فقر و تروریسم بجنگیم و کتاب‌ها و قلم‌های خود را به دست بگیریم. آن‌ها قدرتمندترین اسلحه‌های ما هستند.

یک کودک، یک معلم، یک قلم و یک کتاب می‌تواند دنیا را تغییر دهد.

تنها راه حل آموزش است. اولین گام، آموزش است.